

درگذشت سمیر امین منتقد جهانی سازی نئولیبرالی. برگردان از ناهید جعفرپور

او می نویسد " با مارکس آغاز شد اما با لنین یا مائو ختم نشد"

روزنامه آلمانی تاتس:

برگردان ناهید جعفرپور

از فوروم جهانی پورتو الگره تا قطر، شرکت کنندگان منتظر سخنان او بودند. سمیر امین در شبکه های اجتماعی کنفرانس های فوروم جهانی شدید ترین نقد ها را به نظم کنونی جهان داشت. او اعتقاد داشت که " امپریالیسم مرحله یا حتی بالاترین مرحله امپریالیستی نیست" او لنین را رد می کرد و اعتقاد داشت که " ذات نظریه او گسترش سرمایه داریست"

سمیر امین خودش را یک مارکسیست "مبتکر و خلاق" توصیف می کرد. برای او این به معنای آن بود که " با مارکس آغاز شد اما به مائو و لنین ختم نشد".

سمیر امین روشنفکری بود که در سال 1931 در قاهره متولد شد. وی که مادرش فرانسوی و پدرش مصری بود از مسیر سیاسی سوسیالیسم پان عربی سال های 50 تا منتقد مدرن جهانی سازی نئولیبرالی کنونی گذر نمود البته در طول راه گاهی از مسیرش منحرف شد اما از اشتباهاتش درس گرفت.

وی در آغاز از رژیم خونین خمر سرخ در کامبوج به خاطر " توسعه سریع شهرنشینی و خودکفائی اقتصادی" اش بعنوان نمونه ای در آفریقا استقبال نمود. تلاش دیکتاتور پل پوت از سال 1975 برای اجرای گسترده "کمونیسم زراعی" به نسل کشی منجر شد.

سمیر امین در زمان تحصیل در رشته سیاست و اقتصاد به حزب کمونیست فرانسه پیوست ولی بعدا رژیم شوروی را محکوم نمود و بعد از مداخله طولانی در مائوئیسم به چین رفت. وی سپس به همراه گندرفرانک تئوری وابستگی را بیان نمود؛ برای آفریقا به این معنا بود که بهره برداری از مواد خام آفریقا از سوی غرب شرایطی را ایجاد می کند که

اجازه نمی دهد تا این کشورها به آزادی واقعی بعد از رهایی از استعمار دست یابند. توصیه سمیر امین به این کشورها این بود که “جدا” شوند. از این رو وی اصالتاً تجارت را نفی نمی کرد بلکه قرار دادهای تجاری را نقد می کرد.

سمیر امین سال ها بعنوان رئیس هیئت مدیره مونته در داکار، سنگال، متفکر آزادی پسا استعماری از یوغ تجارت آزاد جهانی بود.

سرمایه داری مدرن با توجه به نوشته های سمیر امین پس از یک مرحله وابستگی به سازش اجتماعی برای بازگشت به اتوپیای واقعی خود یعنی تحمیل زندگی اجتماعی تحت منطق بازار جهانی و جهانی سازی باز می گردد.

اخیرا سمیر امین خود را نزدیک به جنبش جهانی دهقانان: La Via Campesina دانسته و کشاورزی خرد را بعنوان پیش شرط لازم برای توسعه مستقل کشورهای جنوب خواند.

سمیر امین نگرانی شدیدی بابت اسلام گرایی درکشور مغرب و کشورهای خاورمیانه داشت. اخوان المسلمین را در کشور زادگاهش مصر نه تنها بعنوان یک جریان عقب مانده اسلامی و کسی که بجای اصلاحات اجتماعی، خیریه را موعظه می کند مورد نقد شدید قرار می داد بلکه برای او این جریان متحد سرمایه داری جهانی بود که سیاست وابستگی پشت ماسک بازار آزاد را پذیرفته است.

به مناسبت پنجاهمین سالگرد بهار پراگ و پایان آن - کریم قصیم

متن پی دی اف : لینک کنید روی متن زیر:

[بهار پراگ](#)

به مناسبت پنجاهمین سالگرد بهار پراگ و پایان آن
پژوهش و نگارش :
کریم قصیم

میز گرد درباره‌ی وظایف جمهوری خواهان دموکرات در شرایط کنونی. چهارشنبه 5 سپتامبر 2018

فراخوان همگانی (دعوت عمومی)

جمهوری خواهان دموکرات ایران ؛ هموطنان گرامی

کوتاه تر شدن چرخه های اعتراضات سراسری همزمان با گسترش روزافزون مبارزات لایه های مردمی با خواست های فراگیرتر معیشتی-سیاسی و نیز رساتر شدن فریاد "نه به جمهوری اسلامی" در گوشه و کنار کشور نویدبخش آینده ای نه چندان دور از براندازی رژیم جمهوری اسلامی به دست مردمان ایران است.

امروز یکی از کلیدی ترین پرسش ها در برابر نیروهای اپوزیسیون قاطع علیه رژیم تمامگرا و خودکامه دینی این است که :

چگونه و از چه طریق می توان در خارج از کشور با فعالیت های عملی و

نظری به جنبش های رو به رشد یاری رساند ؟ و از این راه در تحقق جمهوری ، دموکراسی و جدائی دولت و دین با جنبش های اجتماعی مردمان ایران همراه شد.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات ولایتیک به قصد همفکری و یافتن راهکارهای درخور و موثر جهت گام های مشترک در این راه شما را به یک میزگرد (یا گفت و گوی مشترک) و بحث آزاد دعوت می کند .

موضوع : وظایف جمهوریخواهان دموکرات در شرایط کنونی

ابزارها و راهکارهای توانمندی اعتراضات و توانمندی جنبشهای اجتماعی در جهت استقرار جمهوری ، دموکراسی و جدائی دین و دولت در ایران.

طراحان بحث : البرز جم ، ناهید جعفرپور ، فرامرز دادور و اصغر اسلامی

گرداننده بحث : خسرو امیری

زمان : چهارشنبه 5 سپتامبر 2018 ، ساعت 20 به وقت اروپا

در اتاق

Asia and pacific /Iran/jonbeshe jomhourikhahane demokrat wa laice iran

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات ولایتیک ایران

پرسش و پاسخ ندای آزادی از فصلان سیاسی در باره‌ی مقدرات برجام

مهران مصطفوی

ندای آزادی: با توجه به شرایط سالهای قبل از برجام مانند تحریم های بین المللی و خطر جدی جنگ، آیا برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)، قرارداد مثبتی برای کشور ما بود، و یا فقط باعث بقای جمهوری اسلامی شد؟

مهران مصطفوی: برای پاسخ روشن دادن به این سؤال، اول از همه باید ببینیم که علت برجام چه بود. برجام از دید غرب و جمهوری اسلامی برای پایان دادن به بحران هسته ای بود. بحرانی که نتیجه 4 دروغ اصلی و پایه ای به شرح زیر بود:

اولین خلاف حقیقت که حدود 25 سال است حاکمیت آن را تکرار میکند این است که ایران به انرژی هسته‌ای نیاز دارد فریب دوم این است که ایران برای تولید انرژی هسته‌ای نیاز به صنعت غنی سازی اورانیوم دارد. دروغ سوم درباره نیاز به انتخاب تکنولوژی آب سنگین برای راکتور اراک است. دروغ چهارمی نیز وجود دارد که در آن سوی مرزهای ایران ساخته شده است و خلاصه این دروغ این است که «ایران تا اندی دیگر بمب اتمی خواهد ساخت». از دید نگارنده با توجه به گزارشی که ۱۶ سازمان اطلاعاتی آمریکا در سال ۱۳۹۰ منتشر کردند و اطلاعاتی که از ایران به دست می‌آمد، واضح بود که رژیم ایران از سال ۲۰۰۳ پیش بردن پروژه ساختن سلاح اتمی را کنار گذاشته است. به اصطلاح افشاگری نتانیاهو تکرار همان صحبتها بود و با وجود دزدیدن چند تن مدرک و سند توسط اسرائیل، سندی دال بر ادامه سیاست ساختن بمب توسط ایران پیدا نشد. البته بر این عقیده بودم و هستم که بدون سه دروغ اول ممکن نبود اسرائیل و محافظه کاران جدید و برخی از دولت‌های غربی بتوانند دروغ چهارم را بسازند.

بارها از قبل از آغاز مذاکرات هشدار می‌دادم که چون ایران برای پیشبرد سیاست‌های خود از بحران هسته‌ای استفاده می‌کند، غرب نیز با انگشت گذاشتن بر روی خطر ساختن بمب هسته‌ای، به ایران فشار می‌آورد تا از موضع قدرت وارد مذاکره شود. و سرانجام غرب با توافق وین

موفق شد جام زهر را به آقای خامنه‌ای بنوشاند.

اما اگر به برجام از دید حقوق ایرانیان بنگریم متوجه می‌شویم که هنوز همان 4 دروغ بالا پابرجا هستند و مسئله‌ای حل نشده است. با برجام مشخص نشد چرا ایران 15 سال بهای سنگین سیاست هسته‌ای را پرداخته است. و بالاخره اینکه در برجام ایران از موضع ضعف به دهها تعهد تن داد و در عوض چیزی دریافت نکرد چنانچه تحریمهای امریکا ادامه یافت و حتی امریکا تحریمها را تشدید کرد و از برجام هم بالاخره بیرون آمد. ایران از نظر حقوقی کاری نمی‌تواند بکند و شاید - به احتمال کم - بتواند امریکا را در دادگاه لاهه محکوم کند ولی حتی در اینصورت تغییری رخ نخواهد داد زیرا برای امریکا حکم واجب الاجرا نیست. و مهمتر از همه اینکه برخی طوری وانمود می‌کردند که به غیر از برجام راهی برای پایان دادن به بحران اتمی نیست. اما راهی بود و هنوز هم هست، راهی که رژیم نمی‌خواهد بپذیرد زیرا دروغهایش افشا می‌شوند. بطور مثال هیچ دلیل عقلانی برای ادامه غنی‌سازی اورانیوم در ایران وجود ندارد اما با برجام اینکار - حتی بصورت نمادین ادامه پیدا کرده است و کسانی که از بین مخالفین از برجام دفاع کردند این مسائل مهم را در نظر نگرفتند و یا با مصلحت اندیشی چشم پوشی کردند.

در پایان این امر را باید یادآوری کرد که نقش مخالفان مستقل و دمکرات رژیم ارائه راه‌های خود در چارچوب دفاع از حقوق ملی ایرانیان می‌باشد نه اینکه در زندان انتخاب بین بد و بدتر قدرتها عمل کنند. اکنون ما بعد از 4 سال شاهد هستیم که برجام حقوق ملت ایران را در نظر نگرفته بود و گره‌ای هم از کار مردم نگشود. از همان فردای امضای برجام بارها هشدار دادم که آقای خامنه‌ای توافقی را می‌خواهد که با آن نه رابطه با کشورهای غرب و خصوصا امریکا سالم شود و به بحرانها پایان داده شود و نه در داخل ایران گشایشی صورت گیرد و متأسفانه چنین نیز شد.

ندای آزادی: در صورتی که ایران به تعهداتش بر مبنای این توافق ادامه دهد و دیگر طرفهای برجام مانند چین، روسیه و اروپا به آن پایبند بمانند، برجام می‌تواند بدون حضور امریکا ادامه داشته باشد؟

مصطفوی: برجام می‌تواند بدون امریکا ادامه پیدا کند اما بی‌روح خواهد بود و بکار ایران هم نمی‌آید. یعنی آنچه که رژیم از برجام می‌خواست که کم کردن بار فشار تحریمها بود با توجه به سیاست

آقای ترامپ تحقق نخواهد یافت. طرف اول ایران امریکا بود نه اروپا یا چین و روسیه. در ایران کسانی که به برجام تن دادند گمان می کردند همیشه نوعی از حکومت آقای اوباما در امریکا خواهد بود. اما اینطور نشد و تن به تعهدهایی غیرقابل بازگشتی دادند و اکنون نمی دانند چه باید بکنند. اروپا هم هنوز اراده آن را ندارد که سیاست مستقلی از امریکا داشته باشد حتی اگر سیاسیون اروپایی سخن از چنین اراده ای بکنند وضعیت تغییر جدی نخواهد کرد زیرا سرمایه داری اروپا حاضر نیست بخاطر بازار کوچک ایران منافع خود را در امریکا بخطر اندازد. بدینخاطر هر روز با خارج شدن شرکتهای مختلف اروپایی از بازار ایران روبرو هستیم.

ندای آزادی: آیا ملغا شدن برنامه برجام باعث سقوط و یا تسریع سقوط نظام جمهوری اسلامی خواهد شد؟

مصطفوی: علل تسریع سقوط رژیم را قبل از هر چیز باید در سیاستهای خود رژیم جست. فساد بی پایان، اقتصاد رانتهی نتیجه ملغی شدن برجام نیستند بلکه نتیجه سیاستهای یک رژیم مستبد و فاسد است. بر اینها باید استبداد سیاسی و مذهبی را افزود. مگر کشور کوبا 40 سال تحریم نبود؟ اما کوبا با اینهمه فساد و نابرابری اقتصادی مواجه نشد. علت اصلی حضور مدیران بی کفایت و فاسد با داشتن یک ایدولوژی عقب مانده در ایران است.

ندای آزادی: با توجه به قدرت و امکانات گسترده امریکا برای تحریم ایران و تحت فشار قراردادن کشورهای دیگری که با ایران مناسبات اقتصادی دارند، خروج امریکا از برجام چه پیامدهای برای مردم ایران و برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت؟

مصطفوی: تشدید تحریمها فشار را به مردم و طبقات کم درآمد بیشتر می کند جمهوری اسلامی می تواند با تزریق ترس از آینده بدتر از این وضعیت سود ببرد. در ماههای آینده با هر چه بدتر شدن وضعیت معیشتی مردم روبرو خواهیم بود. و اگر خواسته های آنان در یک بیان و خواست سیاسی عمومی تبلور پیدا نکند برای جمهوری اسلامی سرکوب اعتراضات چندان مشکل نخواهد بود. اما جمهوری اسلامی برای بیرون رفتن از بحران هم در حال مذاکره با امریکا و هم در حال تحکیم روابط خود با روسیه است. یعنی کاری که همیشه کرده است: حل مسائل از طریق خارجی و نه از طریق جامعه ملی.

ندای آزادی: اپوزیسیون خارج از کشور چه وظائفی در این شرایط بر

مصطفوی: در شرایط پیچیده و خطیر کنونی مخالفان دمکرات بیش از پیش باید خود مستقل از جمهوری اسلامی و مستقل از قدرتهای خارجی کنند و میدان عمل باید خواسته های مردم و تدارک جنبش عمومی باشد. مخالف باید بدیل باشد یعنی برنامه ارائه دهد نه اینکه فقط مخالفت کند و یا زمانی که فکر جمعی جبار ایجاد می شود دنباله رو گردد. متأسفانه هنوز در آنچه که به برجام مربوط می شود کار مناسب را انجام نداده ایم. بخشی در انتظار معجزه از سوی ترامپ هستند و بخشی دیگر هنوز امید به اصلاح دارند و از سیاستهای آقای روحانی حمایت می کنند. اما ما نیاز به یک راه حل ملی داریم. باید واقعیت را با مردم ایران در میان گذاشت و هر فرد مسئولیت خود را بپذیرد. ادامه وضعیت کنونی می تواند حتی حیات ملی ما را بخطر اندازد اگر در مقابل استبداد سیاهی که بنام مذهب حاکم شده است نایستیم و اگر سیاستهای سیاه آمریکا و روسیه در منطقه را افشا نکنیم. اگر بدنیاال هر راه حل دیگری به غیر از جنبش مردم برای تغییر رژیم و استقرار دمکراسی باشیم به بدتر کردن وضعیت کمک کرده ایم. باید شجاعت داشت و در مقابل تبلیغات دروغ و تحریفات همه جانبه ایستادگی کرد. از اینرو نزدیک شدن گروهها و شخصیتهای سیاسی سالم و مستقل و دمکرات و جمهوریخواه می تواند به حرکت مردم و فراگیر شدن آن و باز کردن افق برای تغییر به سوی دمکراسی کمک کند.

پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی در باره ی مقدرات برجام رضا اکرمی

ندای آزادی: با توجه به شرایط سالهای قبل از برجام مانند تحریم های بین المللی و خطر جدی جنگ، آیا برجام (برنامه جامع اقدام

مشترک) قرارداد مثبتی برای کشور ما بود، و یا فقط باعث بقای جمهوری اسلامی شد؟

رضا اکرمی: با توجه به تصویب قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد و اتفاق نظر پنج کشور عضو این شورا به اضافه آلمان (۱+۵)، مبنی بر اجرای تحریمها و تنبیهاتی که قطعنامه های مذکور در نظر گرفته بود عدم امضاء برجام از سوی ایران می توانست به جنگ بی انجامد. در اینکه اگر چنین جنگی در می گرفت، آیا رژیم جمهوری اسلامی، از درون می پاشید و یا خیر، می توانست با بسیج بخشی از مردم در مقابل آن مقاومت نماید، حتی امروز هم بر ما روشن نیست، اما يك مسئله کاملاً روشن است که کشور ما با خسارات سنگینی مواجه می شد و سرو سامان دادن به قدرتی که بتواند جانشین جمهوری اسلامی شود و از حق حاکمیت مردم بدون وابستگی به نیروهای مهاجم خارجی اعمال قدرت نماید تقریباً غیر ممکن بود. پس طرح مسئله بدینصورت مشکلی را حل نمی کند که پذیرش برجام باعث بقای جمهوری اسلامی شد یا خیر؟ به اعتقاد من با توجه به سیاستهای نادرست حکومت پیش از آن، از جمله هزینه سرسام آور، برای ایجاد آمادگیهای اتمی و همینطور کوبیدن بر طبل «حق مسلم هسته ای»، نادیده گرفتن فشارهای پیش از تحریم برای رسیدن به توافق، راهی جزء آنچه به برجام ختم شد برای حکومت ایران باز نگذاشته بود، طرفهای غربی هم اگر چه ممکن بود به جنگ کشیده شوند اما هنوز در چنین فازی نبودند پس آنها هم بدنبال راه حلی می گشتند که تضمین لازم برای کنترل بر تلاشهای هسته ای ایران را بدهد و برجام این منظور را حاصل می کرد.

ندای آزادی: در صورتی که ایران به تعهداتش بر مبنای این توافق ادامه دهد و دیگر طرفهای برجام مانند چین، روسیه و اروپا به ان پایبند بمانند، برجام می تواند بدون حضور امریکا ادامه داشته باشد؟

اکرمی: بستگی دارد که ایران تا چه میزان و چگونه بر تعهداتش باقی بماند. این تعهد را میزان راستی آزمائیهای سازمان بین المللی انرژی هسته ای مشخص می کند و مواضعی که مقامات ریز و درشت حکومت ایران اتخاذ و بیان می کنند. از سوی سایر کشورها منهای آمریکا هم همین مسئله تعهد مطرح است با این تفاوت که آنها به شدت تحت فشار آمریکا قرار دارند. این فشار قبل از هر چیز اقتصادی است اما فشار سیاسی را هم نباید نادیده گرفت. برای چین و روسیه کمتر، اما برای سه متحد غربی آمریکا راضی نگه داشتن دولت دونالد ترامپ بسیار حیاتی می باشد. به همین منظور این سه

دولت در جریان مذاکرات جدید حتماً تلاش می کنند تا برخی از خواسته‌های آمریکاء را پیش بکشند. در رأس این خواسته‌ها تأمین امنیت اسرائیل و عدم مداخله ایران در امور کشورهای دوست آنها می باشد. هر گاه برنامه موشکی ایران که فعلاً از طرف خود حکومت اسلامی هم سروصدایش تا حدودی خوابیده است کنار گذاشته شود و یا کمرنگ تر گردد و نیروهای نظامی ایران از سوریه، عراق و یمن به خانه بازگردند و حزب الله لبنان از شاخ و شانه کشیهای نظامی، به همان تلاشهای پارلمانتاریستی و سیاسی روی بیاورد این احتمال قوی می شود که برجام با اصلاحات و یا محدودیتهائی به کار خود ادامه دهد.

ندای آزادی: آیا ملغا شدن برنامه برجام باعث سقوط و یا تسریع سقوط نظام جمهوری اسلامی خواهدشد؟

اکرمی: پیشتر اشاره مختصری به این موضوع داشته ام. اما برای پاسخ ابتداء باید ببینیم لغو برجام از کدام سو مد نظر است. خوب آمریکا فعلاً کنار کشیده است و دنبال چانه زدن است که شروط جدیدی را در آن وارد کند، اما بقیه چی؟ ایران چه خواهد کرد؟ موضع ایران تعیین خواهد کرد که بقیه پای تعهدشان می توانند بایستند یا خیر؟ اگر ایران چنانکه روز های اول تهدید می کرد بخواهد کنار بکشد و یا به شکلی غنی سازی اورانیوم را از سر بگیرد هر هفت ستون برجام فرو خواهد ریخت اما این روزها بویژه از طرف محمد جواد ظریف بسیار می شنویم که هدف آمریکا رساندن ایران به مرز بیرون رفتن از این تفاهمنامه است او بر همین اساس تأکید می کند ما باید با اروپائیها مذاکراتمان را پیش ببریم اما می دانیم تعیین کنند سیاست در این باره او نیست. پس اصل نحوه فرو ریختن برجام خود سؤال است. اگر ایران قبل از سائرین پا پس بکشد با شرایط دشواری روبرو خواهد شد، اما سقوط حکومت همانطور که در مقاطع بحرانی پیشین هم دیده ایم لزوماً با حیات و ممات برجام گره نخورده است و به عوامل متعدد دیگری منوط است.

ندای آزادی: با توجه به قدرت و امکانات گسترده آمریکا برای تحریم ایران و تحت فشار قراردادن کشورهای دیگری که با ایران مناسبات اقتصادی دارند، خروج آمریکا از برجام چه پیامدهای برای مردم ایران و برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت؟

اکرمی: تا حدودی به این سؤال شما بالا تر جواب داده ام. اما نتایج خروج آمریکا تا همینجا آشکار است. وعده های سرمایه گذاریهای عمده معلق شده است. تولید که پیش از این هم وضعیت

اسفباری داشته است بازهم کاهش یافته . بیکاری پیامد کاهش تولید و خوابیدن چرخ اقتصاد است. بازار ارزو سقوط ارزش ریال به گرانیها دامن زده است و گفته می شود نگرانی از رسیدن مایحتاج زندگی تا آنجاست که اقشاری از مردم که هنوز توان خرید دارند به فکر احتکار افتاده اند. و این همه قبل از رسیدن تحریم دامنه دار است که « وعده اش» از سوی تیم ترامپ - پمپئو داده شده است. بنابراین کاملاً واضح است که زندگی بر مردم ما بسیار سخت خواهد شد . در این میان قطعی است که رژیم ایران هم از این تحریمها و فشارهای آمریکا آسیب خواهد دید. لازم نیست به حرفهای صدتا نیم غاز احمدی نژاد و خامنه ای در دوره پیشین تحریمها گوش بدهیم که « بگذار هزارتاز این کاغذ پاره ها صادرکنند کشور ما به خودکفائی بیشتر می رسد»، خود آنها بیشتر از هر کسی می دانستند و دانستند که آنها کاغذ پاره نیستند و نتیجه اش فروریختن پایه های قدرتشان و بویژه امکان تأمین مالی بلند پروازیهایشان گردیده است .

ندای آزادی: اپوزیسیون خارج از کشور چه وظائفی در این شرایط بر عهد دارد؟

اکرمی : عامل مهمی که از زمان امضاء برجام تا به امروز صورت گرفته است ، تغییر روانشناسی و بالا رفتن روحیه اعتراضی مردم نسبت به حکومت است. بخش بزرگی از مردم و از جمله قلم زنهای سیاسی برای مدتی به این شعار بی پایه حق مسلم هسته ای (خارج از اینکه فکر کنند چرا و در نتیجه کدام رفتار حکومت این حق از ما گرفته شده است) چسبیده بودند و از آن پشتیبانی می کردند دیگر در موضع پیشین نیستند . امروز مردم بیشتری دارند از حقوق مسلم داخلی خود همچون آزادی ، کار ، مسکن ، برخورداری از امنیت، دوری از تشنج در مناسبات بینالمللی ، حفاظت از محیط زیست و بسیار ساده تر، داشتن حق برق و آب حرف می زنند و برای مطالبه و تحقق آنها به خیابان می آیند. اپوزیسیون اگر واقعاً رسالتی برای خود قائل باشد به چه چیزی جز کمک به ارتقاء این مبارزات ، چشم انداز دادن و سازماندهی آنها باید بیاورد. سؤال خود شما این وظیفه را به فعالیت در خارج از کشور فرو می کاهد، اپوزیسیونی که دغدغه اش حل گرهگاه های مبارزات مردم در ایران نباشد کارش به گرم نگه داشتن محافلی در خارج از کشور خلاصه خواهد شد و بس.

هر يك از ما لحظه ای چشم بر هم بگذاریم و به این مسئله فکر کنیم که چه میزان وقت خود را صرف راهیابی مبارزات مردم در ایران می کنیم و چه میزان به کشاکشهای حزبی ، گروهی و محفلی در میان

مخالفین رژیم مشغولیم . با کمال تأسف باید بگویم این جدالها در مواردی با همسایه عقیدتی و فکری و سیاسی خودمان بیش از رقبا و جریانات اجتماعی فاصله دار تر می باشد و انرژی برتر است.

بنا بر این باید به این حرف قدیمی بر گردم که سالهاست تداوم عمر رژیم نه از توانمندیهای او و نه حتی از حمایت فعال و یا منفعلانه اکثریت مردم از آن، بلکه از فقدان آلترناتیو، برنامه و پروژه تغییری می باشد که از پشتوانه مردمی برخوردار باشد . تا چنین امری حاصل نشود محتمل است که روزی این بنای پوسیده فروبریزد اما نتیجه کار لزوماً بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کشور نخواهد بود. اپوزیسیون اگر واقعاً خود درکی از مفهوم آن داشته باشد باید معمار بنائی باشد که به ضرورت باید جانشین قدرت ساقط شده گردد. اینجا است که باید هر يك از ما به دور و بر خودمان خوب نگاه کنیم ببینیم چه می گوئیم چه میزان از مردم و یا حتی علاقمندان به سیاست از ما شناخت دارند ؟ با کدام گروهبندها و یا جریانات فکری دمکراتیک و آزادیخواه در همکاری هستیم ، مرزبندهایمان کدامند و چرا چنین مرزبندهائی داریم ، تا شاید به سهم خود بر پراکندگی موجود فائق آئیم.

چون سئوالات شما بیشتر متوجه تحلیل جنبه ای از گرهگاه موجود سیاسی روز است (برجام) ، هر چند که در مناسبات بینالمللی جایگاه ویژه ای دارد و طبعاً بازتابش هم بر زندگی روزمره مردم مهم است، می فهمم که به سقوط حکومت جمهوری اسلامی و وظایف اپوزیسیون هم برسید اما تصور من این است که این رابطه يك به يك نیست . من احتمال زیادی می دهم که این بحران هم ، با کش و قوسی که همواره از چنین موش و گربه بازیهای سراغ داریم برای مدتی تداوم بیابد. در کوتاه مدت، ترکش تحریمها، هم ، دامن حکومت را می گیرد و هم سفره مردم را از اینهم که هست فقیر تر کند اما به جنگ نخواهد کشید و چه بهتر که چنین بشود، اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران اگر واقعاً به رفاه و سعادت و حق حاکمیت مردم می اندیشد باید حسابش را از این دخالتهای خارجی جدا کند و برای قدرت و قوت گرفتن جنبشهای اقشار مختلف اجتماعی و سیاسی در ایران چاره ای بی اندشد. زمان زیادی از دست رفته است. همه اش هم به خود اپوزیسیون مربوط نمی شود . بند ناف هر جریان سیاسی اگر به يك پایه اجتماعی متصل نباشد تغذیه صورت نمی گیرد و تن رنجور می ماند. متأسفانه زمان زیادی برد تا مردم به ماهیت رژیمی پی ببرند که در هیچ امرسازندگی و مدیریت سر رشته و توانمندی ندارد و برعکس می خواهد مملکت نسبتاً

مدرن و البته با فرهنگی همپا با زمانه معاصر را به قعر ارتجاع بازگرداند. این مسئله امروز تا حدودی (فقط تا حدودی) حل شده است. البته در همین تغییر روانشناسی و کسب شناخت نقش همین اپوزیسیون زخم دیده و پراکنده را هم نباید نادیده گرفت . سرهای بسیاری در راه آزادی بر سر دار رفته است ، از همان روزهای اولیه قدرت‌گیری روحانیون و جان بدربرندگان نیز بیکار ننشسته اند. بسیاری علیرغم زندگی دشوار در غربت ، لحظه ای سکوت نکردند و از نوشتن و تلاش و کوشش بازمانده اند اما همانطور که پیشتر گفتم نقش اپوزیسیون چیز دیگریست، باید وظیفه و مسئولیتهای خود را شناخت.

رضا اکرمی

۲۷ مرداد ماه ۱۳۹۷

۱۸ اوت ۲۰۱۸

پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی در باره‌ی مقدرات برجام رسول آذرنوش

ندای آزادی: با توجه به شرایط سالهای قبل از برجام مانند تحریم های بین المللی و خطر جدی جنگ، آیا برجام قرارداد مثبتی برای کشور ما بود و یا فقط باعث بقای جمهوری اسلامی شد ؟

رسول آذرنوش: درست است در آن سالها خطر جنگ جدی شده بود اما این فقط خطر جنگ نبود خطر دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای هم جدی شده بود برجام هردو خطر را از کشور دور کرد بهمین جهت برجام در آن سالها قرار داد مثبتی برای کشور ما بود.

اما حالا شرایط بکلی تغییر کرده است. خطر دستیابی رژیم به سلاح هسته ای دستکم برای سالها منتفی شده است چرا که با برجام بخش مهمی از زیرساخت های سایت های هسته ای ایران برچیده شده و مخزن کارخانه اب سنگین اراک بتن ریزی شده است بازگشت به شرایط 2015 برای رژیم ممکن نیست چون این کار به چند سال زمان و یک بودجه کلان نیازمند است و این در حالیست که رژیم با چالش های اساسی از جمله با بحران ارزی و مالی بزرگی روبروست. از اینرو در شرایط مشخص کنونی دیگر خطر هسته ای شدن رژیم مطرح نیست و من فکر میکنم دیگر خطر حمله نظامی به ایران هم نمیتواند یک خطر جدی محسوب شود.

ندای آزادی: در صورتی که ایران به تعهداتش بر مبنای این توافق ادامه دهد و دیگر طرفهای برجام مانند چین، روسیه و اروپا به ان پایبند بمانند برجام میتواند بدون حضور امریکا ادامه داشته باشد ؟

آذرنوش: طرف اصلی ایران در برجام امریکا بوده است. با خروج امریکا از برجام تحریم ها علیه ایران بازگشته و از ابان ماه امسال ، ایران از نقطه نظر تحریم ها دستکم در وضعیت 2015 قبل از امضای برجام قرار خواهد گرفت و دیگر طرفهای برجام هم نمی توانند مانعی جدی در برابر این تحریم ها ایجاد کنند. روسیه خود صادر کننده نفت و گاز بوده و بخاطر انضمام کریمه زیر تحریم های غرب قرار دارد و بنابراین نمیتواند نقش چندانی در شکستن تحریم ها داشته باشد. چین بعنوان یکی از وارد کنندگان اصلی نفت ایران در جنگ تجاری با امریکا قرار دارد. چین در عین حال یکی از صادر کنندگان اصلی کالا به امریکا است و مبادلات تجاری اش با امریکا قابل قیاس با ایران نیست. بنظر میرسد برسر

تحریم های ایران همچون گذشته نوعی سازش و مصالحه بین دو کشور صورت بگیرد و چین در ازای کاهش واردات نفت از ایران از تحریم های بین المللی امریکا معاف گردد.

روابط اتحادیه اروپا و امریکا بعد از روی کار آمدن ترامپ بخاطر هژمونی طلبی امریکا در عرصه سیاسی و دیپلماتیک و پروتکسیونیسم در عرصه روابط تجاری با تنش وتیرگی همراه بوده است. تا جائیکه به برجام مربوط میشود مواضع امریکا و اروپا از لحاظ مضمونی کم و بیش یکسان و بر هم منطبق اند. هر دو طرفدار اصلاحات در برجام بویژه در بند معروف به بند غروب، بازرسی های سختگیرانه تر از تاسیسات غنی سازی

محدود کردن فعالیت های موشکی ایران و تغییر سیاست های منطقه ای اش در خاور میانه هستند. اما آنجا که به چگونگی تحقق این هدف ها مربوط میشود آنها رویکرد های متفاوتی را دنبال میکنند. اروپا خواهان حفظ برجام در عین اعمال فشار بر ایران در خارج از کادر این توافق است در حالیکه امریکا با خروج از برجام در پی وارد کردن فشارهای سنگین برای بازگشت ایران به پشت میز مذاکره است. اخبار و اطلاعات ماه های اخیر از جمله خروج کلیه شرکت های بزرگ اروپائی از ایران و عدم معامله بانک های بزرگ اروپائی با ایران نشاندهنده این واقعیت است که اروپا نه میخواهد و نه میتواند در برابر سیاست امریکا مانعی جدی ایجاد کند.

ندای آزادی: آیا ملغا شدن برجام باعث سقوط و یا تسریع سقوط نظام جمهوری اسلامی خواهد شد ؟

آذرنوش: نه بنظر من ملغا شدن برجام و بازگشت تحریم ها بخودی خود باعث سقوط نظام نخواهد شد اما می تواند انرا تسریع کند همانطور که عوامل دیگری مانند فساد سیستماتیک نظام

و یا تضاد و در گیری جناح های رژیم میتوانند در تسریع سقوط رژیم نقش داشته باشند.

در این میان فاکتور اساسی و تعیین کننده جنبش اعتراضی رادیکال مردم است که از دیمه گذشته در صحنه سیاسی ایران ظاهر شده و همه معادلات و محاسبات رژیم را بهم ریخته است. پایوران نظام بیش از بازگشت تحریم های امریکا از تبدیل شدن این جنبش به یک انقلاب هراسان اند. طبعاً لغو برجام و بازگشت تحریم ها فشار وارده بر زندگی و معیشت مردم را تشدید میکند اما مسئولیت ان از دید مردم بدرستی متوجه رژیم و سیاست های پان اسلامیتی اش در منطقه است.

ندای آزادی: با توجه به قدرت وامکانات گسترده امریکا برای تحریم ایران و تحت فشار قرار دادن کشورهای دیگری که با ایران مناسبات اقتصادی دارند، خروج امریکا از برجام چه پیامدهائی برای مردم ایران و برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت ؟

آذرنوش: در شرایط کنونی جمهوری اسلامی با سه گزینه روبرو خواهد بود. اول بازگشت به میز مذاکرات با ترامپ و دستیارانش برای امضای یک قرار داد جدید. دوم خروج از برجام و تلاش برای احیای غنی سازی با غلظت بالا. و سوم ماندن در برجام با وجود بازگشت تحریم ها.

گزینه اول یعنی پذیرش مذاکره با ترامپ در شرایط کنونی و از موضع ضعف چیزی جز پذیرش خواست های ترامپ و تسلیم شدن به امریکا نیست. این برخلاف عقب نشینی های جمهوری اسلامی مثلا در جریان پذیرش قطعنامه 598 سازمان ملل و یا پذیرش برجام یک عقب نشینی تاکتیکی نیست بلکه یک عقب نشینی استراتژیک است که هیچ نوع سازگاری با ساخت و بافت رژیم ندارد. اگر چه پذیرش چنین گزینه ای در یک شرایط خاص مثلا اوجگیری جنبش اعتراضی مردم منتفی نیست اما با داده های فعلی گزینه احتمالی بنظر نمی رسد.

گزینه دوم یعنی خروج ایران از برجام ، احیای سایت ها و از سرگیری غنی سازی است اما بازگشت به شرایط قبل از برجام چنانکه بالاتر اشاره کردم با توجه به تحریم های سنگین امریکا لااقل در کوتاه مدت برای رژیم امکان پذیر نیست

بعلاوه خروج ایران از برجام بر اساس خود این توافق بمعنای بازگشت تمامی تحریم ها و اعمال آن توسط همه اعضای 1+5 ، بازگشت قطعنامه های شورای امنیت و همچنین قرار گرفتن دو باره ایران زیر فصل هفت منشور سازمان ملل و بازگشت پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل است. به این دلیل ، علیرغم تهدیدهای خامنه و برخی از سرداران سپاه ، با توجه به بحران هایی که رژیم را در بر گرفته ، بعید است که چنین گزینه ای مد نظر سران رژیم قرار بگیرد

گزینه سوم باقی ماندن در برجام و تداوم اجرای تعهدات ایران برغم بازگشت تحریم ها به امید دور زدن تحریم ها ، مبادلات تهاتری با چین و برخورداری از پاره ای امتیازات در بسته پیشنهادی اروپا تا برکناری ترامپ در انتخابات دو سال نیم آینده ریاست جمهوری امریکا است گزینه ای که محتمل تر بنظر میرسد و مورد حمایت چین و روسیه و اتحادیه اروپا است. اما انتخاب این گزینه هم برای رژیم با چالش تصویب لوایح چهار گانه گروه ویژه اقدام مالی مربوط به مبارزه با جرائم مالی ، پولشویی و کمک به تروریسم روبروست که رژیم تاکنون از تصویب آن شانه خالی کرده و این در حالیست که بسته پیشنهادی اروپا مشروط به تصویب این لوایح تا ابان ماه توسط رژیم شده است. طبعا تصویب این لوایح مشکلات بزرگی در پولشویی داخلی و کمک های مالی به حزب اله لبنان و دیگر گروه های تروریستی خارجی برای رژیم ایجاد میکند.

در شرایط کنونی شواهد و قرائن حاکی از نوسان رژیم در انتخاب بین گزینه دوم و سوم است و جناح بندیهای رژیم حول این مساله به شدت

با یکدیگر درگیرند که گوشه هایی از آن در مجلس و یا دیگر ارگان های رژیم خود را نشان میدهند

ندای آزادی: اپوزسیون خارج از کشور چه وظایفی در این شرایط بر عهده دارد ؟

آذرنوش: واقعیت اینست که رژیم طی سالها بخش بزرگی از ثروت ملی ما را صرف ساختن تاسیسات هسته ای و غنی سازی اورانیوم کرده که هدف آن دستیابی به سلاح هسته ای بوده است و بس.

درحالیکه هسته ای شدن ایران نه از جنبه نظامی و نه حتی از جنبه های اقتصادی وزیست محیطی کوچکترین نقطه اشتراکی با منافع مردم ما ندارد، از این جهت اساس برجام همواره باید مورد نقد و افشاگری اپوزسیون قرار گرفته و شعارهای مخالفت با هر نوع غنی سازی و ضرورت برچیده شدن تمام سایت ها و تاسیسات مربوطه از طریق اپوزسیون بدرون جنبش اعتراضی مردم برده شود. کار آگاهگرانه در این رابطه بنظر من یکی از وظایف اصلی بویژه اپوزسیون چپ و مترقی در داخل و خارج کشور است. اما شوربختانه در این شرایط این وظیفه از جانب اپوزسیون عمدتا مغفول مانده و بدتر از آن ، برجام حتی از سوی بخشی از اپوزسیون بی هیچ دلیل قابل اعتنائی مورد حمایت قرار دارد .

.

...